

مدیریت چابک چیست؟ این شیوه مدیریتی چه مزایایی دارد؟

مدیریت چابک یک رویکرد تکراری است که ابتدا برای توسعه نرم افزار به کار می‌رود، روی تقسیم و تجزیه پروژه‌های بزرگ به وظایف قابل کنترل و کوچک‌تر تمرکز دارد؛ پروژه‌هایی که با تکرارهای کوتاه در طول چرخه عمر پروژه تکمیل می‌شوند.

در نتیجه انعطاف‌پذیری این رویکرد، تیم‌ها می‌توانند به سرعت با نیازهای متغیر سازگار شوند، همکاری مؤثرتری داشته باشند و محصولات یا خدمات با کیفیت بهتر را سریع‌تر تولید کنند. همچنین این تصور غلط رایج وجود دارد که Agile یک متدولوژی است. اما، Agile یک روش تفکر برای حل مشکلات مشترک است، و رویکردی که افراد برای مدیریت پروژه مدرن اعمال می‌کنند.

کلیک کنید

برای دریافت دمو



5 ستون مدیریت چابک

در هسته مدیریت چابک کلمه "agility" نهفته است که به معنای "تحرك، چابکی" و

همچنین از کلمه لاتین "agere": "انجام دادن، عمل کردن" است. این امر نشان‌دهنده توانایی حرکت دادن چیزی به سمت جلو به روشی سریع است که امکان تغییر آسان جهت را فراهم می‌کند. بنابراین، از نظر مدیریت پروژه چابک دارای پنج ویژگی اساسی است که بلوک‌های سازنده فرآیند چابک را تشکیل می‌دهند:

- شفافیت

- تمرکز بر مشتری

- تطبیق‌پذیری

- احساس مالکیت (رهبری مؤثر)

- پیشرفت مداوم

این ویژگی‌ها در کنار هم یک پروژه چابک را می‌سازند. برای بحث بیشتر در مورد آنها، اجازه دهید هر یک از آنها را در ادامه تحلیل کنیم:

1. شفافیت

یکی از موضوعات اصلی مدیریت پروژه چابک، درک مشترک فرآیند در بین همه طرف‌های ذینفع است. این امر مستلزم افزایش شفافیت در نحوه کار و ارتباط تیم‌ها است.

در یک محیط چابک، افراد با ادغام رادیاتورهای اطلاعاتی مانند تابلوهای کانبان، آشکارا پیشرفت کار خود را به اشتراک می‌گذارند. این موضوع به همه اجازه می‌دهد تا بفهمند همتایانشان چه کار می‌کنند و چگونه آن کار را انجام می‌دهند، که به نوبه خود، امکان

گفتگو در مورد چگونگی انجام بهتر آن را فراهم می‌کند.

علاوه بر این، اعضای تیم تشویق می‌شوند تا آزادانه ایده‌ها و چالش‌های خود را به اشتراک بگذارند، بدون اینکه نگران باشند که این موضوع ممکن است وضعیت آنها را در پروژه به خطر بیندازد. در نتیجه، مدیریت کار به روش **Agile** به شکل‌گیری یک سازمان کمک می‌کند، مکانی امن که در آن تیم‌ها مسئول اشتباهات خود هستند و به طور جمعی برای حل آنها تلاش می‌کنند.

مقاله مرتبط: [فرهنگ سازمانی چابک چیست؟](#) چه مزایایی برای کسب و کارها دارد؟

2. تمرکز بر مشتری

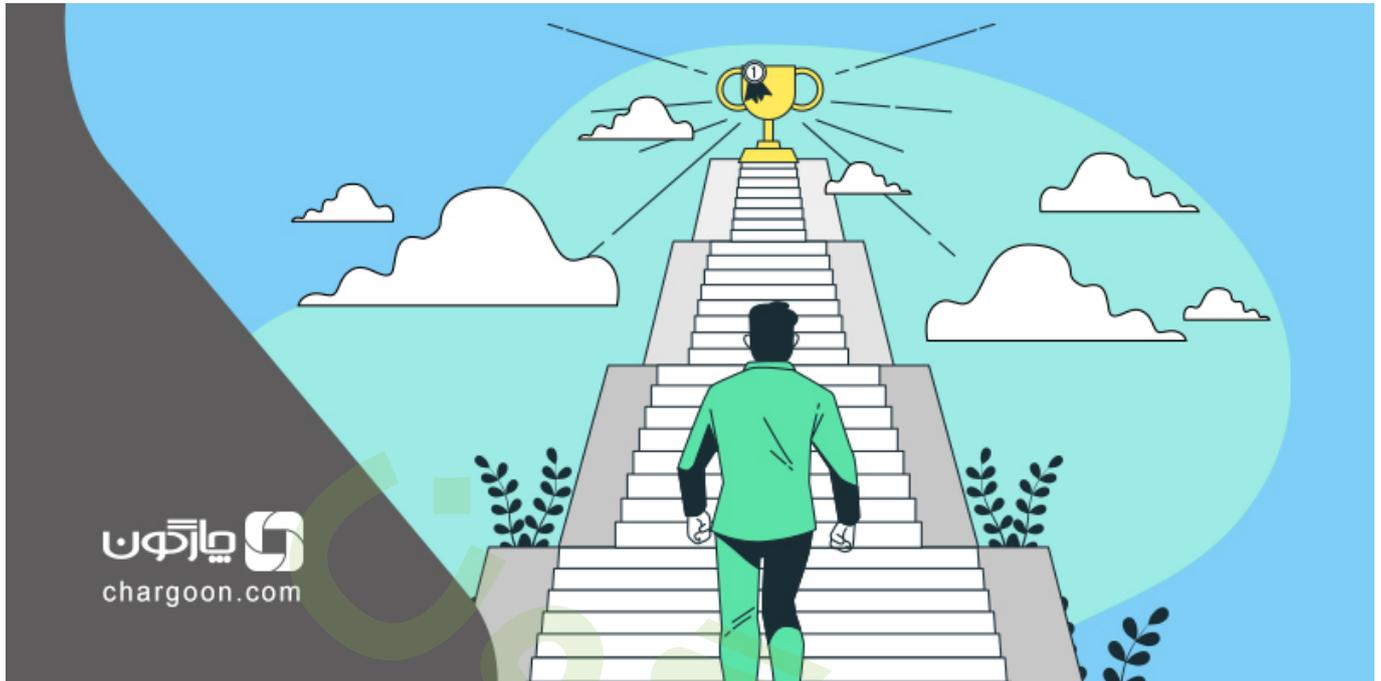
نقل قول معروفی توسط کارآفرین سریالی دیو مک کلور مطرح است که می‌گوید “مشتریان به راه‌حل شما اهمیت نمی‌دهند، آنها به مشکلات خود اهمیت می‌دهند.” به عبارت دیگر، حتی اگر بهترین راه‌حل دنیا را داشته باشید، در صورتی که مشتریان شما در واقعیت نمی‌دانند چگونه مشکلشان را حل کنند، تمایلی به استفاده از راه‌حل شما پیدا نمی‌کنند.

به همین دلیل است که رویکرد چابک در مدیریت پروژه به شدت بر حصول اطمینان از درک نیازهای مشتری از طریق همکاری مداوم متمرکز است. هدف این است که به مشتریان نه تنها آنچه را که خواسته‌اند، بلکه آنچه را که نیاز دارند، ارائه دهیم. این یک

چالش رایج در محیط کار است، زیرا زمانی که کار عملاً واضح و روشن نباشد، مشخصات آن به راحتی ممکن است اشتباه گرفته شود.

بنابراین، حلقه‌های بازخورد مکرر در چرخه حیات تحویل پروژه Agile به عنوان نقاط بازرسی عمل می‌کنند که در آن مشتریان می‌توانند ببینند «آنچه فکر می‌کردند، می‌خواهند» در عمل چگونه به نظر می‌رسد. این امر به توسعه دانش جدید و اکتشاف راه‌حل‌های نوآورانه ممکن کمک می‌کند.

همچنین، از طریق همکاری مکرر با مشتریان، Agile قصد دارد کارایی بیشتری را برای پروژه‌ها به ارمغان بیاورد. یکی از راه‌های دستیابی به این هدف، کاهش دوباره گستردگی پروژه است که باعث اتلاف بیش از حد زمان و منابع می‌شود. در نتیجه، پروژه‌های Agile از سطوح تولید پایین‌تری برخوردار می‌شوند و هزینه‌ها را به تأخیر می‌اندازند و محصول یا خدمات نهایی را برای مشتری نهایی ارزان‌تر می‌کنند.



3. احساس مالکیت

ویژگی دیگری که رویکرده چابک برای مدیریت پروژه به ارمغان می‌آورد، القای حس مالکیت در تیم‌ها است که به رهبری مؤثرتر کمک می‌کند.

به عنوان مثال، در مدیریت پروژه سنتی، تمام اطلاعات از طریق یک مدیر پروژه به اعضای دیگر تیم داده می‌شود که وظایف را به اعضای مختلف تیم اختصاص می‌دهد. این امر می‌تواند به دلیل افزایش احتمال گم شدن برخی از اطلاعات بی‌اثر و نادرست باشد. در مقابل، پروژه‌های چابک بخش بزرگی از فرآیند تصمیم‌گیری را به اعضای تیم می‌دهند.

آن‌ها کسانی هستند که به جزئیات فنی کار مسلط‌تر هستند، و کاملاً منطقی است که آنها

را به طور فعال در فرآیندهای برنامه‌ریزی بگنجانند و تصمیم بگیرند که چگونه وظایف خود را به بهترین شکل انجام دهند. در نهایت، اعضای تیم تشویق می‌شوند به جای اینکه منتظر بمانند تا «رئیس» بگوید چه کاری باید انجام شود، با هم همکاری کنند و راه‌حلهایی برای مشکلات بر اساس درک خود بیابند.

این کار، فضایی از مالکیت مشترک ایجاد می‌کند که تیم‌ها را برای کارآمدتر بودن در کارشان انگیزه و توانمند می‌کند. در نتیجه آنها به بهترین نحو ممکن در تکمیل پروژه مشارکت خواهند داشت.

با این شیوه همچنین، رهبری مؤثرتر می‌شود زیرا تمرکز آنها به سمت مدیریت کار (نه کارکنان) منحرف می‌شود که باعث ایجاد سود کسب و کار می‌شود. بنابراین، رهبران موفق چابک اهداف مشترکی را با اعضای تیم خود تعیین، با بهینه‌سازی جریان کار به رفع موانع کمک، منابع لازم را فراهم و یادگیری مشارکتی را تشویق می‌کنند.

4. بهبود مستمر

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مدیریت پروژه چابک ایجاد محیطی برای بهبود مستمر است. تیم‌ها به طور منظم در چرخه‌های یادگیری مکرر در کنار توسعه پروژه شرکت می‌کنند.

این امر تضمین می‌کند در زمانی که پروژه چابک هنوز در حال انجام است، پیشرفت‌های اساسی فرآیند رخ می‌دهد، که می‌تواند به طور مثبت به تحویل موفقیت‌آمیز راه‌حل نهایی به مشتریان نهایی کمک کند. البته روش دیگری که همچنان در فرآیند

مدیریت پروژه چابک وجود دارد، ایرادی ندارد. با این حال، در محیطی که کار نامعلوم است، و تغییرات اغلب رخ می‌دهد، تنها تکیه بر آن برای تحویل موفق پروژه چابک نادرست و نامطلوب است.

علاوه بر این، کار به محصولات تحویلی کوچک تقسیم می‌شود و به طور مداوم برای بررسی و بازخورد به مشتریان تحویل داده می‌شود. این امر همچنین به اصلاح مستمر یک محصول یا خدمات با در نظر گرفتن این هدف کمک می‌کند که آن را مناسب برای مشتری هدف قرار دهد.

5. سازگاری

ایده اصلی دیگر در مدیریت پروژه چابک این است که تیم‌ها را قادر می‌سازد تا به تغییرات به دلیل نکاتی که در بالا گفته شد، واکنش بهتری نشان دهند. این امر همچنین مستلزم تحویل مکرر ارزش به مشتری نهایی است تا تیم‌ها بتوانند بازخورد سریع را مستقیماً از بازار گردآوری کنند.

به همین دلیل، Agile به جای تولید یک حجم بزرگ از کار، بر روی یک رویکرد تکراری تمرکز می‌کند که در آن تیم‌ها پروژه‌های خود را تجزیه می‌کنند و به طور مداوم تکه‌های کوچکی از آنها را تحویل می‌دهند و در عین حال انعطاف‌پذیری را برای کار باقی‌مانده حفظ می‌کنند.

هدف این است که اطمینان حاصل شود که آنچه روی آن کار می‌شود با کاربر نهایی در کنار چرخه عمر پروژه چابک همگام می‌شود. در نتیجه، هر گونه نیاز مشتری در حال

تغییر را در اوایل فرآیند دریافت خواهید کرد، به سرعت با شرایط جدید سازگار می شوید و از هرگونه تأخیر قابل توجه در تحویل نهایی پروژه جلوگیری می کنید.

برای نشان دادن بهتر این چرخه انطباق مداوم، اجازه دهید نگاهی گذرا به مراحل چابک بیندازیم.

مراحل مدیریت چابک چیست؟

به طور کلی، فرآیند تحویل پروژه چابک را می توان در مراحل زیر خلاصه کرد:

- **تصور کنید:** چشم انداز محصول / خدمات سطح بالا را برای مشتریان ایجاد و همچنین تعیین کنید چه کسی در پروژه شرکت خواهد کرد.
- **حدس و گمان:** این مرحله گسترش مرحله قبلی است، جایی که تیم های چابک نیازهای گسترده اولیه را برای یک محصول / خدمت جمع آوری می کنند و یک برنامه تکراری را بر اساس چشم انداز توسعه ارائه می دهند.
- **کاوش:** کار بر روی محصولات تحویلی پروژه با تمرکز بر جریان، با هدف دریافت بازخورد از مشتری در سریع ترین زمان ممکن.
- **تطبیق:** نتایج ارائه شده را بررسی کنید و در صورت لزوم با شرایط فعلی سازگار شوید.
- **بستن:** پروژه را به پایان برسانید، یافته های کلیدی را به اشتراک بگذارید.



مدیریت پروژه سنتی در مقابل مدیریت چابک

در مدیریت چابک، برخلاف مراحل سنتی مدیریت پروژه، یک تفاوت کلیدی در فاز "Adapt" وجود دارد که ماهیت تکرارشونده مدیریت پروژه چابک را تعریف می‌کند.

پس از ایجاد چشم‌انداز برای محصول و تهیه یک طرح تکرار، به مرحله "کاوش" می‌رسید. در آنجا، هدف این است که به‌جای منتظر ماندن برای تکمیل همه آنها، به‌طور مداوم محصولات تحویلی کوچک را به بازار عرضه کنیم.

سپس، در مرحله "تطبیق"، تیم‌ها در بررسی‌های کوتاه پروژه با مشتریانی که بازخورد مربوطه خود را ارائه می‌دهند، شرکت می‌کنند. ایده این است که اقدامات آینده خود را بر اساس آن بازخورد تطبیق دهید و در صورت لزوم، به جای انجام دوباره کاری

گسترده، تغییرات کوچکی در آنچه ارائه شده است اعمال کنید.

ارزش ها و اصول مدیریت چابک

چابک شدن به معنای تغییر طرز فکر و پیروی از ارزشها و اصول خاص در کار است.

- افراد و تعاملات بر روی فرآیندها و ابزار.
- نرم افزار کار بر روی مستندات جامع.
- همکاری مشتری بر سر مذاکره قرارداد.
- پاسخ به تغییر در پیروی از یک برنامه.



12 اصل مدیریت چابک چیست؟

1. بالاترین اولویت، جلب رضایت مشتری از طریق تحویل زودهنگام و مستمر نرم افزارهای ارزشمند است.
2. باید از تغییر الزامات استقبال کرد، حتی در اواخر فرآیند توسعه. فرآیندهای چابک تغییر را به عنوان مزیت رقابتی مشتری مطرح می کنند.
3. نرم افزار کار باید به طور مکرر، از چند هفته تا چند ماه، با اولویت برای بازه زمانی کوتاه تر، تحویل داده شود.
4. افراد تجاری و توسعه دهندگان نرم افزار باید روزانه در طول پروژه با هم کار کنند.
5. پروژه ها را حول افراد با انگیزه بسازید. به آنها محیط و حمایت لازم را بدهید و به آنها برای انجام کار اعتماد کنید.
6. کارآمدترین و مؤثرترین روش انتقال اطلاعات به تیم توسعه و درون آن، **گفتگوی چهره به چهره** است.
7. نرم افزار کار معیار اولیه پیشرفت است.
8. فرآیندهای چابک توسعه پایدار را ترویج می کنند. حامیان مالی، توسعه دهندگان و کاربران باید بتوانند به طور نامحدود یک **سرعت ثابت** را حفظ کنند.
9. توجه مداوم به برتری فنی و طراحی خوب، **چابکی** را افزایش می دهد.
10. **سادگی** - هنر به حداکثر رساندن مقدار کار انجام نشده - ضروری است.
11. بهترین معماری ها، نیازمندی ها و طرح ها از تیم های خودسازمان دهنده پدید می آیند.
12. در فواصل زمانی منظم، تیم در مورد چگونگی مؤثرتر شدن فکر می کند، سپس

رفتار خود را بر اساس آن تنظیم می‌کند.

اگرچه مدیریت پروژه چابک از صنعت توسعه نرم افزار نشأت می‌گیرد، اما با موفقیت در بسیاری از زمینه‌های دیگر مانند توسعه محصول، معماری، بازاریابی، خدمات مالی و ... اعمال می‌شود.

روش‌های مدیریت چابک

همان‌طور که Agile در آغاز قرن بیست و یکم به یک موضوع برجسته تبدیل شد، بسیاری از فریم‌ورک‌ها به سرعت محبوبیت یافتند (SAFe، Kanban، Scrum و غیره). با این حال، بسیاری از شرکت‌هایی که به دنبال چابکی تجاری واقعی هستند متوجه شدند که چارچوب‌های بسیار تجویزی و چابکی کاملاً برعکس هستند.

به همین دلیل است که امروزه بسیاری از سازمان‌ها به دنبال روش‌های چابکی هستند که به جای اتخاذ چارچوب‌های بسیار تجویزی، از یک جریان کاری پایدار ایجاد و پشتیبانی می‌کنند و فرآیندها را با نیازهای خود تنظیم می‌کنند. امروزه محبوب‌ترین فریم‌ورک‌ها یا روش‌های مدیریت پروژه چابک عبارتند از Kanban، Scrum و Scrumban. بنابراین، اجازه دهید با Kanban شروع کنیم.

– کانبان

کانبان روشی است که یک دهه پیش تدوین شده است. بر تغییرات تکاملی و بهبود مستمر فرآیند تمرکز دارد. این روش دارای شش شیوه اصلی است:

- کار را تجسم کنید
- کار در حال پیشرفت را محدود کنید
- مدیریت جریان
- خطمشی‌های فرآیندی را صریح کنید
- پیاده‌سازی حلقه‌های بازخورد
- به طور مشترک بهبود بخشید



چارگون
chargoon.com

تیم‌ها کار خود را بر روی یک تابلوی کانبان تجسم می‌کنند که به عنوان یک مرکز اطلاعات مرکزی عمل می‌کند که در آن همه موضوعات / ابتکارات و وظایف باید قرار گیرند. این امر به افراد امکان می‌دهد تا در حین کار بر روی پروژه‌های مختلف، اطلاعات را بسیار سریع‌تر تبادل و به طور مؤثرتری همکاری کنند.

یک برد کانبان به ستون‌هایی تقسیم می‌شود که مراحل مختلف گردش کار را نشان می‌دهد. این امر به مدیران و تیم‌های پروژه کمک می‌کند تا کار را بسیار بهتر سازماندهی و مدیریت کنند، پروژه‌های مختلف را پیگیری کنند و دید کلی بهتری از فرآیند به دست آورند.

حیاتی‌ترین شیوه کانبان

یکی از حیاتی‌ترین شیوه‌های کانبان، محدود کردن کارهای در حال انجام است. محدودیت WIP مقدار کار مجاز در هر یک از ستون‌های تابلو است. این مسئله یکی از مؤثرترین شیوه‌هایی است که می‌توانید برای افزایش تمرکز تیم خود و اولویت‌بندی کار نهایی برای بهبود کارایی کلی استفاده کنید.

از سوی دیگر، همه ما می‌دانیم که پروژه‌ها، تیم‌ها و افراد منحصر به فرد هستند. تیم‌های مختلف دارای مجموعه‌های متفاوتی از مهارت‌ها، سطح تجربه و تخصص هستند. پروژه‌های مختلف ممکن است محدودیت، بودجه و ... متفاوتی داشته باشند.

به همین دلیل است که کانبان به شما پیشنهاد می‌کند باید با کاری که اکنون انجام می‌دهید شروع و به تدریج تکامل پیدا کنید. بدون تغییر شدید، بدون چرخش، کانبان را به یکی از سازگارترین روش‌های مدیریت پروژه چابک تبدیل می‌کند.

کانبان می‌تواند توسط هر تیمی در سازمان شما، از فناوری اطلاعات گرفته تا بازاریابی، اعمال شود. دلیل اصلی این است که کانبان:

• به فرآیندها و نقش‌های جاری احترام می‌گذارد.

- به تغییرات انقلابی بلکه تکاملی نیاز ندارد.
- به شما پیشنهاد می‌کند که تغییرات تدریجی و تکاملی را دنبال و سعی کنید به طور مداوم پیشرفت کنید.
- مدیریت کار را تشویق می‌کند و به افراد اجازه می‌دهد تا پیرامون آن خودسازماندهی کنند.

اگر می‌خواهید از کانبان استفاده کنید، کافی است آن را در بالای فرآیندهای فعلی خود قرار دهید و گام به گام شروع به بهبود کنید.

– اسکرام

بسیاری معتقدند که اسکرام یک روش چابک است، اما در واقع یک چارچوب تجویزی است. طبیعتاً، این یک رویکرد تکراری است که از فواصل زمانی در فرآیند استفاده و پروژه‌ها را به دوره‌های ثابتی به نام اسپرینت تقسیم می‌کند. هدف اصلی، حمایت از تیم‌ها برای ارائه مولد و خلاقانه محصولات با بالاترین ارزش ممکن است.

سه نقش تغییرناپذیر در این روش وجود دارد:

- مالک محصول
- اسکرام مستر
- تیم

مالک محصول نماینده مشتریان و سایر ذینفعان است. او انباشته محصول را

سازماندهی و مدیریت می‌کند، لیست وظایف اولویت‌بندی شده از همه موارد کاری مورد نیاز برای محصول را گردآوری می‌کند. از طرف دیگر اسکرام مستر خدمتگذار- رهبر تیم با تأکید بر رهبری است و به همه کمک می‌کند تا قوانین را به درستی درک کرده و به کار گیرند.

از بک لاگ محصول، ارقام کاری انتخاب شده و به بک لاگ اسپرینت منتقل می‌شوند تا اینکه ظرفیت اسپرینت تکمیل شود. یک تیم خودسازمانده یا خودمدیریت کار خود را در طول اسپرینت انجام می‌دهد، که ممکن است به عنوان پروژه‌هایی با طول ثابت بیش از یک ماه در نظر گرفته شود.



رویدادهای مهم در اسکرام

چهار رویداد مهم در اسکرام وجود دارد:

- برنامه‌ریزی اسپرینت
- اسکرام روزانه
- بررسی اسپرینت
- اسپرینت گذشته‌نگر

امروزه می‌توانید مشاهده کنید که همه تیم‌ها یا سازمان‌ها در حین تمرین مدیریت پروژه چابک با اسکرام، یک عمل قرص گرفته شده از کانبان، از یک Task Board استفاده می‌کنند.

از این گذشته، تخصیص وظایف شفافیت را افزایش می‌دهد و از ارزش‌های مدیریت پروژه چابک پشتیبانی می‌کند.

– اسکرامبان

همان‌طور که کانبان به طور فزاینده‌ای محبوب می‌شود، برخی از افراد در جامعه چابک فرصتی را برای توسعه روشی دیدند که به تیم‌های اسکرام کمک می‌کند تا به جلو حرکت کنند و بر بهبود مستمر و تغییرات تکاملی تمرکز کنند. و اسکرامبان این‌گونه متولد شد.

یک واقعیت جالب این است که 81 درصد از استادان اسکرام از کانبان در کنار اسکرام استفاده می‌کنند. اسکرامبان فلسفه و شیوه کانبان را می‌گیرد، آنها را در بالای اسکرام

قرار می‌دهد و برخی از قوانین را حذف می‌کند.

اسکرامبان از کانبان چه چیزهایی می‌گیرد؟

بیاید ببینیم اسکرامبان از کانبان چه می‌گیرد.

کار را تجسم کنید

این اولین چیزی است که اسکرامبان به عنوان یک روش اجباری تجویز می‌کند.

محدود کردن کار در حال انجام (WIP)

می‌دانید که محدود کردن (WIP) یک تغییردهنده بازی است. اسکرامبان از این روش استفاده می‌کند و آن را با موفقیت به کار می‌برد، زیرا تمرکز تیم‌ها بر اتمام کار را ممکن می‌سازد. محدود کردن (WIP) یک پیش‌نیاز خوب برای ایجاد یک سیستم کششی است، که در آن وظایف به جای تحت فشار قرار گرفتن، به طور طبیعی وارد جریان کار می‌شوند.

تابلو را گسترش دهید

به عبارت دیگر، ستون‌های بیشتری را به تابلو اضافه کنید. این برای کانبان معمولی است، و یک راه عالی برای تجسم مراحل مختلف گردش کار روی تابلو است. به این ترتیب، تیم شما می‌تواند دید کلی بهتری از فرآیند داشته باشد و به شما کمک می‌کند تا متوجه شوید که گلوگاه‌ها دقیقاً در کجای فرآیند ظاهر می‌شوند.



اولویت بندی

اسکرامبان تکنیک دیگری از کانبان را به کار می‌گیرد: اولویت بندی. بسیار ساده است. شما وظایف را در ستون درخواست شده (برای انجام) قرار می‌دهید، و یک قانون ساده وجود دارد: **اولین وظیفه مهم‌ترین است.** با در نظر گرفتن این قانون، تیم به ترتیب شروع به انجام وظایف می‌کند.

تخمین زدن

احتمالاً اینجا جایی است که اسکرامبان در اسکرام قلب می‌کند. چرا این طور است؟ اسکرامبان بیان می‌کند که شما نیازی به تخمین کار ندارید. موضوع اینجاست. هر فعالیتی که به نتیجه ارزش افزوده نکند، اتلاف محسوب می‌شود. از این نظر، تخمین زدن یک فعالیت بیهوده است. به همین دلیل است که در اسکرامبان، جلسات برنامه‌ریزی نسبتاً کوتاه است و به جای تخمین، بر اولویت بندی متمرکز است.

برنامه‌ریزی بر اساس تقاضا

این یکی از تفاوت‌های اصلی اسکرام و اسکرامبان است. اسکرامبان برنامه‌ریزی اسپرینت را در شکل اولیه خود حذف می‌کند. در عوض، تیم در صورت نیاز برنامه‌ریزی می‌کند. به عبارت دیگر، تیم آیتم‌های کاری را تا زمانی که خالی می‌شود، بیرون می‌کشد، که محرکی است برای تیم که باید کارهای بیشتری را برنامه‌ریزی کند.

همان طور که می بینید، اسکرامبان با استفاده از اصول و شیوه های کانبان، اسکرام را به سطح بعدی می برد. این امر به تیمها اجازه می دهد تا خروجی را افزایش و تلفات را کاهش دهند و در عین حال دید و بهره وری بالاتری را فراهم کنند. همچنین به تیمها اجازه می دهد تا برنامه ریزی چابک را با پتانسیل کامل خود اعمال کنند.

اگرچه اسکرام به خوبی پذیرفته شد و در صنعت توسعه نرم افزار به جریان اصلی تبدیل شد، با این حال استفاده از مدل های هیبریدی دیگر محبوبیت بیشتری پیدا کرد. اسکرام، کانبان و اسکرامبان 3 رویکرد برتری هستند که به مدیریت چابک کمک کردند تا در سایر بخشها مانند توسعه محصول، معماری، بازاریابی، خدمات مالی، مراقبت های بهداشتی، بیمه، آموزش و سایر بخشها گسترش یابد.

مزایای مدیریت چابک

طرفداران مدیریت پروژه چابک می گویند که این روش مزایای متعددی را به همراه دارد، از جمله موارد زیر:

- آزادی بیشتر. مدیریت پروژه به طراحان اجازه می دهد روی مدلهایی کار کنند که از نقاط قوت آنها استفاده می کنند.
- استفاده بهینه از منابع. این مزیت امکان استقرار سریع با حداقل تلفات را فراهم می کند.
- انعطاف پذیری و سازگاری بیشتر. توسعه دهندگان بهتر می توانند با تغییرات مورد

نیاز سازگار شوند و آن را ایجاد کنند.

- **تشخیص سریع مشکلات.** این ویژگی امکان رفع سریع‌تر و کنترل بهتر پروژه‌ها را فراهم می‌کند.
- **افزایش همکاری با کاربران.** این امر منجر به تولید محصولاتی می‌شود که نیازهای کاربران را بهتر برآورده می‌کنند.



معایب مدیریت چابک

مدیریت پروژه چابک نیز دارای معایبی بالقوه است، از جمله موارد زیر:

- **نتایج متناقض.** یک پروژه می‌تواند از مسیر خود خارج شود زیرا در شروع یک

پروژه دوره‌های از پیش تعیین شده کمتری وجود دارد.

• **سنجش میزان پیشرفت دشوار است.** پروژه‌های خارج از مسیر منجر به نتایجی می‌شود که کمتر قابل پیش‌بینی هستند.

• **محدودیت‌های زمانی.** مدیریت چابک بر تصمیم‌گیری سریع متکی است، بنابراین برای سازمان‌هایی که زمان زیادی را برای تجزیه و تحلیل مسائل صرف می‌کنند، مناسب نیست.

• **ارتباط می‌تواند چالش‌برانگیز باشد.** همکاری بین تیم‌ها یا کاربران نهایی باید به طور مداوم اتفاق بیفتد تا بهترین محصول ممکن را ایجاد کند.

سخن پایانی

در این مقاله، همه چیزهایی که در مورد مدیریت پروژه چابک باید بدانید، گفته شد. اگر این مقاله با اهداف شغلی شما هم‌خوانی دارد، پس دیگر صبر نکنید! یک دوره آموزشی مدیریت چابک را انتخاب کنید که چشم‌انداز شغلی شما را به عنوان مدیر پروژه افزایش دهد و برای یک حرفه هیجان‌انگیز در آینده آماده شوید.